

متن پرسش

با سلام بنده در حال تدوین مقاله‌ای تحت عنوان فاطمه (س) و تربیت زن امروز هستم. تمام کتاب‌های جنابعالی در این رابطه را مطالعه کردم. چند سوال باقی مانده یک: داستانی که مربوط به ورود پیامبر ص به مدینه و ورود به خانه حضرت زهرا (س) دارد و دیدن پرده و گردنبند و الگو در نزد فاطمه (س) چگونه توجیح پذیر است و با مقام ایشان منافات ندارد. اگر مطلبی که برای معصوم حقانیت دارد و پیامبر آن را فهم میکنند، چگونه از ابتدا از عهده فهم فاطمه (س) خارج بوده است؟ دو: در کتاب استاد مطهری و نیز کتاب جنابعالی یکی از ضرورت‌های ازدواج چندگانه برای مردان، تکلیفی است که جامعه در مقابل میزان بالای زنان در مقابل مردان دارد. حال چرا حضرت علی (ع) این وظیفه را در زمان حیات حضرت فاطمه س انجام ندادند. گرچه در روایت امام باقر ع آمده چون فاطمه (س) زنی مطهر و عاری از آلودگی بود، ازدواج دوم بر علی (ع) نهی شده بود، اما این تنها یکی از حکمت‌های ازدواج دوم است و حکمت اول را که وظیفه اجتماعی است منتفی نمیکنند. از این جهت ماجرای زندگی پیامبر (ص) در زمان حضرت خدیجه و علی (ع) با فاطمه (س) مانع از این میشود که به زنان امروز بتوان توصیه به انجام تکلیفی اجتماعی نمود. لطفا در این زمینه توضیح دهید؟ این سخن حضرت فاطمه (س) که فرموده اند بهترین چیز برای زنان... با ضرورت‌های حضور اجتماعی زن در جامعه امروزی اینگونه توجیه پذیر هست که بگوییم منظور آن جمله اشاره به امری مستحب است (با توجه به وازه بهتر) که وقتی در مقابل امر واجب یعنی حضور ضروری زن در جامعه قرار میگیرد، منتفی میشود؟ سوال آخر که مربوط به مقاله ام نیست اینست که شما در کتاب زن آنگونه که باید باشد، فهمانده اید که نمیتوان از برتری مرد یا زن سخن گفت. خدا دو ابزار متفاوت خلقت در اختیاری روح‌های از جنس واحد قرار داده و بسته به این ابزارها تکالیفی وضع کرده تا به کمال برسند. بنده پس از تحقیق در زمینه شبهاتم که در زمینه تکالیف مربوط به زن و مرد بود به این نتیجه رسیدم که بهترین تکالیف و راه حل‌ها را اسلام معرفی کرده اما هنوز در مورد این مطلب که در خلقت زن و مرد تبعیض صورت نگرفته قانع نشده‌ام. یعنی تفاوت تکلیف که اکثر زنان در مورد آن شبهه دارند، مرا به تفاوت خلقت رساند که عامل آن است به عبارتی چرا خدا زن را موجودی ضعیف، آسیب‌پذیر، همراه با آلودگی خلق کرد تا به سبب این عوامل اینقدر بر زنان در طول تاریخ ظلم شود. و اساسا اگر آلودگی زن نقص نیست چرا حضرت زهرا (س) از آن مبرا هستند. پس یک نوع نقص است؟ همان که خلقت سیاهان سبب ظلم به آن‌ها در طول تاریخ شده، خلقت اینچینی زن هم سبب ظلم و اجحاف در حق او و برخی تکالیف شده. مثلا زنی اگر مورد بی‌مهری و عدم توجه همسرش در خانه باشد. یا باید راه

طلاق را ببیماید یا به گناه بیفتد. ولی اگر مرد مورد بی مهری زن باشد بدون ارتکاب گناه میتواند مشکلی را جبران کند. حال که حتی شرایط طلاق برای زن سخت تر و دشوارتر است. سوالات بنده را اصلاً ناشی از مشکل شخصی در خانه تلقی نکنید که به حمدالله زندگی خوش و خوبی دارم اما به حسب اینکه در حوزه تعلیم و تربیت فعال هستم، لازمه حضور و تربیت همجنسانم را این میدانم که بتوانم شبهات خود و زنان دیگر را پاسخگو باشم با تشکر منتظر پاسخ استاد عزیز هستم

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- همان طور که در یکی از کتابها عرض کردم زهرای مرضیه «سلام الله علیها» به عنوان یک وظیفه که باید شرایط خانه را به زیبایی آراسته نمود و آن را هیچ مانعی جهت سلوک نمی دانستند، به نصب آن پرده اقدام می کنند، ولی رسول خدا «صلوة الله علیه و آله» مأمورند جایگاه خاصی برای آن خانواده شکل دهند و از این جهت نخواستند کوچکترین آثاری که مانع تجلی آن انوار خاص می شود در میان باشد. این همان قصه‌ی «حَسَنَاتُ الْأَبْرَارِ سَيِّئَاتُ الْمُقَرَّبِينَ» است که آنچه برای نیکان خوب است و باید انجام دهند برای مقربین که بنا است بین آن‌ها و خدا هیچ واسطه‌ای نباشد خطا محسوب می شود ۲- این که قرآن اذن داده به چند همسری تا مشکل جامعه حل شود، غیر از آن است که تکلیفی برای همه باشد به خصوص که افرادی بودند که برایشان امکان چنین کاری هست و لذا وقتی کفایت کند دیگر تکلیف بقیه نیست ۳- نمی دانم چرا داشتن این روحیه را برای زن حمل بر ضعف می کنید؟ مگر این طور نیست که همیشه حرکت‌های فرهنگی نافذ و پایدار است و این در شخصیت زنان رشد بیشتری دارد و اکثراً در شخصیت‌های فکری و فرهنگی خود وام‌دار مادران‌شان هستند؟ آن موضوع آلودگی و عدم آن برای حضرت، محل بحث است و اگر به تفسیر آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی احزاب که بحث طهارت اهل‌البیت «علیهم‌السلام» را می‌کند در المیزان رجوع فرمایید، ملاحظه می‌کنید موضوع طهارت، طهارت علمی و اخلاقی است و روایات این‌چنینی جای بحث دارد که علماء و فقهای عزیز ما باید با همان روش اجتهادی آن‌ها را بررسی کنند. آیا عدم تعادل تاریخ را باید به پای خدا گذاشت یا به پای تاریخ؟ یک روز به سیاهان ظلم می‌شود و یک روز همان غربی‌ها بیش از ۵۰ میلیون از مردم خود را به قتل می‌رسانند. آری قبول دارم وقتی نظام ارزشی جامعه به هم بخورد بعضی دستورات الهی در جایگاه خود قرار نمی‌گیرند. در این مورد از یک طرف باید به عنوان حکمی ثانوی با آن احکام برخورد کرد و از طرف دیگر باید با فعالیت‌های فرهنگی جامعه را به تعادل خود برگرداند تا احکام الهی امکان اجراء پیدا کنند. موفق باشید